

نقش میانجی پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی در رابطه سبک‌های والدگری با قلدری

زهرا اصغرپور^۱، محمدرضا زربخش بحری^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، تنکابن، ایران

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، تنکابن، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۷/۲۹

چکیده

زمینه و هدف: مطالعات پیشین نشان داده است که والدین نقش موثری در بروز مشکلات رفتاری کودکان دارند. بدین ترتیب پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی‌گری پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی در رابطه بین سبک‌های والدگری با قلدری انجام شد.

روش: روش مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دبیرستان‌های دوره اول متوسطه دختر و پسر شهرستان آستانه اشرفیه در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ بود که ۲۹۵ دانش‌آموز (۱۵۰ دختر و ۱۴۵ پسر) به صورت تصادفی خوشه‌ای به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های والدگری الیوا و همکاران (۲۰۰۷)، ابعاد انضباطی استراوس و فاجیر (۲۰۰۷) و زورگویی بریگوایی (۲۰۱۲) پاسخ دادند. داده‌های پژوهش با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از آن است که پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی در رابطه بین سبک‌های والدگری با قلدری نوجوان تأثیر غیرمستقیم و نقش میانجی در رابطه بین سبک‌های والدگری پدر و مادر با قلدری نوجوان دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که سبک‌های تربیتی و والدگری والدین می‌تواند رفتارهای کودکان را تحت تأثیر قرار دهد بنابراین باید مداخلاتی جهت آگاه‌سازی والدین درباره اهمیت نقش والدگری آنها انجام شود.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های والدگری، قلدری، نوجوانان، پرخاشگری روانی والدین، تنبیه بدنی

AI

*نویسنده مسئول: محمدرضا زربخش بحری، استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، تنکابن، ایران.

تلفن: ۰۱۱-۵۴۲۷۱۵۱۰

ایمیل: Rzarbakhsh@yahoo.com

مقدمه

قلدری^۱ از رفتارهای مشکل ساز اواخر دوره کودکی و دوره نوجوانی است که اخیراً توجه پژوهشگران و صاحب نظران حیطه روان شناسی را به خود معطوف کرده است و موضوع محوری مطالعات بسیاری بوده است (۱). قلدری رفتاری پرخاشگرانه و آزاردهنده تعمدانه است که توسط یک فرد یا یک گروه از افراد در یک دوره زمانی به صورت مکرر اعمال می شود و شامل عدم توازن قدرت است (۲). قلدری یک مسئله اساسی است، به این دلیل که با آسیب های مدرسه ای، مشکلات سلامت روان و صدمات و بزهکاری در آینده مربوط می شود (۳). امروزه قلدری در مدرسه پدیده رایجی است و شیوع بالایی در مدارس راهنمایی دارد (۴). قلدری دارای انواع مختلفی است و پژوهشگران در این باره تقسیم بندی های متفاوتی ارائه کرده اند. لی (۵) قلدری را به دو دسته کلی؛ قلدری مستقیم یا قابل مشاهده که شامل قلدری جسمانی و کلامی است و دیگری قلدری غیرمستقیم یا غیرقابل مشاهده که قلدری اجتماعی را دربرمی گیرد، تقسیم کرد. هاوکرو و بولتون (۶) انواع قلدری را به چهار نوع جسمی، کلامی، ارتباطی، و غیرمستقیم تقسیم کرده است. قلدری در دوره دبستان شروع شده و در پایه اول متوسطه و سال اول متوسطه تشدید می یابد اما بعد از کلاس نهم روند کاهشی دارد (۷).

شیوع قلدری در دوره نوجوانی بین ۱۵ تا ۷۰ درصد در منابع گوناگون گزارش شده است (۸ و ۹). پژوهش ها نشان داده است در ۱۵ سال اخیر هم مرتکبان قلدری و هم قربانیان قلدری در معرض خطرهای کوتاه مدت و بلندمدت سازش یافتگی مانند مشکلات تحصیلی، مشکلات روان شناختی و مشکلات روابط اجتماعی هستند. این معضل نه تنها محیط مدارس را با ترس و نگرانی همراه می کند، بلکه بر توانایی یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان هم تأثیر می گذارد (۸).

خانواده و سبک های والدگری از مهم ترین عوامل در تحول روانی- اجتماعی کودکان هستند. سبک والدگری والدین یکی از سازه های جهانی شناخته شده است (۱۰) که بیانگر روابط عاطفی و چگونگی ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عامل مهم تحول و یادگیری کودکان به شمار می آید (۱۱). تحول مثبت کودکان تقریباً همیشه پیامد تربیتی والدین، تشویق به استقلال و مهارگری مناسب است (۱۲). هر چه والدین از شیوه های نادرست تربیتی مانند پرخاشگری، تنبیه، سرزنش و... بیشتر استفاده کنند کودکان با احتمال بیشتری با مشکلات روانی، اضطراب، پرخاشگری و گرایش به رفتارهای ضداجتماعی و بزهکارانه مواجه می شوند (۱۳). با توجه به نتایج پژوهش های انجام شده، روابط والد-کودک در اوایل زندگی در قلدری کودک و قربانی بودنش تأثیر دارد (۱۴ و ۱۵). معمولاً والدین کودکان قلدر علاقه به استفاده از خشونت دارند و این کودکان نیز یا قربانی خشونت در خانواده بوده اند یا اینکه این رفتار را از والدین و اطرافیان خود آموخته اند (۵).

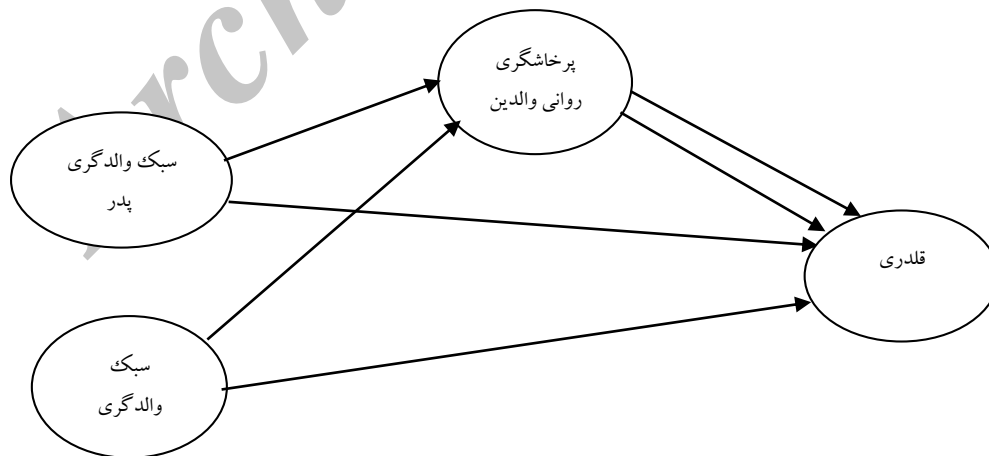
مطالعاتی که رابطه بین سبک های والدگری و رفتارهای کودکان در مدرسه را از قبیل قلدری مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند، نشان می دهند که پسرها و دخترهایی که والدینشان از خشونت استفاده نمی کنند و ارتباط خوشایندی با آنها دارند، کمتر درگیر مسئله قلدری هستند اما کودکانی که والدین خود را مستبد و تنبیه گر توصیف می کنند تمایل بیشتری به بروز رفتارهای پرخاشگرانه و قلدری دارند. بیرامی و علائی (۱۶) در مطالعه خود نشان دادند که سبک های والدگری و محیط عاطفی خانواده با قلدری و انواع آن رابطه دارد. بدری و علائی (۱۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نگرش مستبدانه مادر احتمال بروز رفتار قلدری را در میان دختران افزایش می دهد.

با وجود پژوهش های محدود، برخی از مطالعات نشان دادند که پرخاشگری روانی و تنبیه بدنی به عنوان یک شیوه والدگری با هدف اصلاح رفتار کودک شناخته شده است و

1. Bullying

عاطفی را دریافت می کنند پرخاشگری کمتری را نشان می دهند (۲۵)، در حالی که آن دسته از کودکانی که پدران خود را سخت گیر توصیف می کنند بیشتر رفتارهای پرخاشگری را بروز می دهند (۲۶). گومز- اورتیز، رومرا و اورتگا-رویز (۲۷) نقش میانجی پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی را در رابطه سبک های والدگری و قلدری مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج نشان داد که تأثیر ابعاد انضباطی والدین بر قلدری نوجوانان معنادار است. همچنین شواهد نشان می دهد که شیوه انضباطی و به خصوص شیوه تنبیهی می تواند یک عامل مهم مرتبط با قلدری باشد. خوشبخت (۲۸) نیز در مطالعه ای که بر کودکان پیش دبستانی انجام داد به این نتیجه رسید که باورهای مستبدانه والدین در بروز رفتارهای خشن کودکان تأثیر گذار است. در این راستا با توجه به مطالب بیان شده و مهم و حساس بودن سبک های تربیتی و شیوه انضباطی والدین و اثرگذاری آن در طول دوره زندگی نوجوانان، هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش میانجی پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی در رابطه بین سبک والدگری پدر و مادر بر قلدری نوجوانان است. هدف پژوهش با یک مدل مفهومی مورد بررسی قرار گرفته است (تصویر ۱).

بر مسئله قلدری تأثیر دارد (۱۸). پرخاشگری روانی والدین با شیوه هایی مانند خودداری از محبت، سرزنش، فریاد، توهین، و تحقیر کردن توصیف می شود و با پرخاشگری در کودکان مرتبط است (۱۹ و ۲۰). همچنین تأثیر متقابلی بین محیط خانوادگی ناآرام و خشن و رفتارهای مشکل ساز کودکان وجود دارد (۲۱). پژوهش ها نیز نشان داده اند که مادران خانه دار و دارای تحصیلات پایین، بیشتر از تنبیه بدنی استفاده می کنند و مشکلات رفتاری در کودکانی که توسط والدین تنبیه می شوند نسبت به آنهایی که تنبیه نمی شوند، بیشتر است (۱۶). تمنائی فر، سلامی محمدآبادی و دشتبازاده (۲۲) در مطالعه ای به این نتیجه رسیدند که تنبیه بدنی دارای اثرات مخرب کوتاه و بلندمدت بر جسم و روان کودک است و عوارض نامطلوبی همچون ترس، عدم یادگیری رفتار درست، پرخاشگری، صدمه زدن به دیگران و الگو برداری از آن را به همراه دارد. پژوهش ها نشان داده است رفتار گرم و محبت آمیز و مسئولانه والدین همراه با استفاده کمتر از تنبیه بدنی با کاهش مشکلات رفتاری در کودکان ارتباط مستقیم دارد (۲۳ و ۲۴). علاوه بر این پژوهشگران در مطالعات خود نشان دادند کودکانی که سبک والدگری مثبت شامل گرمی و توجه



تصویر ۱: مدل مفهومی رابطه متغیرهای پژوهش

روش

الف) طرح پژوهش و شرکت کنندگان: پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است. از مدل‌یابی معادلات ساختاری جهت بررسی رابطه متغیرهای پژوهش استفاده شد که در قالب یک الگوی علمی، ارتباط سبک‌های والدگری، قلدری نوجوانان و پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در پایه اول متوسطه شهرستان آستانه اشرفیه در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ به تعداد ۲۶۱۱ نفر بود. نمونه پژوهش با در نظر گرفتن متغیرهای پژوهش ۳۲۱ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند، به این صورت که ابتدا فهرست تمامی مدارس دخترانه و پسرانه دوره اول دبیرستان از آموزش و پرورش شهرستان گرفته شد. سپس از بین آنها دو دبیرستان دخترانه و دو دبیرستان پسرانه و از هر پایه تحصیلی یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد. تمامی دانش‌آموزان این کلاس‌ها به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند که در نهایت از ۳۲۱ پرسشنامه جمع‌آوری شده، ۲۶ پرسشنامه ناقص بود که از نمونه حذف شدند. ملاک‌های ورود به مطالعه، پایه تحصیلی هفتم تا نهم، ۹ و زندگی با هر دو والد از دوران کودکی و ملاک خروج تمایل نداشتن به اجرای پرسشنامه‌ها بود.

ب) ابزار: پرسشنامه‌های این پژوهش با رعایت اصول ترجمه به فارسی برگردانده شد و از فارسی به انگلیسی ترجمه شد و با متن اصلی تطابق داده شد، اصلاحات لازم انجام شد و سپس به دلیل اینکه ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه در ایران مورد بررسی قرار نگرفته بود، به بررسی روایی و اعتبار آن پرداخته شد. بنابراین همسانی درونی پرسشنامه‌ها براساس ضریب آلفای کرونباخ و روایی آن از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت و در آخر مورد تأیید سه متخصص روان‌شناس و روان‌سنج قرار گرفت و سپس بر روی جامعه آماری اجرا شد.

۱. پرسشنامه والدگری^۱: این پرسشنامه توسط الیوا و همکاران (۲۹) طراحی شد. این پرسشنامه ۶ بعد والدگری را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که عبارت‌اند از: محبت و ارتباط، مهارگری رفتار، مهارگری روانی، افزایش استقلال، شوخی، و افشاسازی. فرزندان از روی ادراک خود به پرسش‌های مزبور پاسخ می‌دهند. این پرسشنامه ۸۲ گویه دارد که ۴۱ گویه برای ارزیابی پدر و ۴۱ گویه برای مادر استفاده می‌شود. نمره‌گذاری گویه‌ها از نوع شش‌گزینه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۶) است. اعتبار این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ برای پرسشنامه والدگری پدر برابر با ۰/۹۶ و برای پرسشنامه سبک والدگری مادر ۰/۹۱ به دست آمد. روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی برای پرسشنامه سبک والدگری مادر ۰/۸۱ و برای سبک والدگری پدر ۰/۸۴ به دست آمد.

۲. پرسشنامه سیاهه ابعاد انضباطی^۲: این پرسشنامه توسط استراوس و فاجیر (۳۰) طراحی شد و ۴ نوع از شیوه‌های انضباطی (پرخاشگری روانی و تنبیه بدنی، نظارت، شیوه قیاسی و شیوه پاسخدهی) را می‌سنجد که در این پژوهش از یک شیوه آن یعنی پرخاشگری روانی و تنبیه بدنی استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۸ گویه است و نمره‌گذاری آن نیز براساس مقیاس ۱۰ درجه‌ای لیکرت بوده که از هرگز (نمره ۰) تا دو یا چند بار در روز (نمره ۹) تنظیم یافته است. اعتبار این مقیاس از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش شد و روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی ۰/۶۶ به دست آمد.

۳. پرسشنامه سیاهه قلدری^۳: یک مقیاس خودگزارشی ۱۴ گویه‌ای است که توسط بریگویی و همکاران (۳۱) طراحی شده است. سؤال ۱ تا ۷ مربوط به قلدری و سؤال ۸ تا ۱۴ مربوط به قربانی قلدری است. گویه‌های این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (از ۱ برای هرگز تا ۵ برای بیشتر از یک بار در هفته) درجه‌بندی می‌شود. اعتبار این

1. Parenting styles questionnaire
2. Discipline dimensions inventory questionnaire
3. Bullying intervention questionnaire

شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های سبک‌های والدگری پدر و مادر و متغیرهای پرخاشگری روانی والدین و قلدری در جدول ۱ ارائه شده است.

مقیاس از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شد و روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی ۰/۷۲ به دست آمد.

یافته‌ها

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های سبک والدگری پدر و مادر و متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	اعتبار ترکیبی	آلفای کرونباخ
محبت و ارتباط پدر	۳۶/۴۸	۸/۶۰۱	۰/۹۰۲	۰/۸۷۵
مهارگری رفتار پدر	۲۸/۱۴	۶/۶۴۹	۰/۹۰۳	۰/۸۷۰
مهارگری روانی پدر	۳۵/۹۲	۸/۶۸۳	۰/۸۹۶	۰/۸۶۱
افزایش استقلال پدر	۳۴/۳۴	۹/۲۸۲	۰/۸۷۷	۰/۸۳۹
شوخی پدر	۲۷/۲۹	۷/۲۸۵	۰/۹۰۵	۰/۸۷۴
افشاسازی پدر	۲۰/۹۰	۶/۱۰۳	۰/۸۴۱	۰/۷۷۰
محبت و ارتباط مادر	۳۷/۰۲	۸/۲۵۴	۰/۸۷۷	۰/۸۳۹
مهارگری رفتار مادر	۲۸/۲۷	۵/۴۹۴	۰/۸۴۴	۰/۷۸۱
مهارگری روانی مادر	۳۶/۱۸	۷/۴۲۵	۰/۸۲۴	۰/۷۴۹
افزایش استقلال مادر	۳۶/۲۶	۸/۷۸۱	۰/۸۶۴	۰/۸۱۹
شوخی مادر	۲۸/۲۳	۶/۵۹۹	۰/۸۹۲	۰/۸۵۵
افشاسازی مادر	۲۱/۳۰	۶/۴۶۴	۰/۸۶۸	۰/۸۱۰
پرخاشگری و تنبیه بدنی	۱۷/۴۶	۱۷/۰۸۳	۰/۹۳۸	۰/۹۲۳
قلدری	۱۳/۴۵	۷/۳۴۱	۰/۹۴۸	۰/۹۳۵

ماتریس همبستگی مؤلفه‌های سبک والدگری پدر و مادر و متغیرهای پرخاشگری روانی و تنبیه بدنی و قلدری ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود آلفای کرونباخ و اعتبار ترکیبی مؤلفه‌ها و متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷ است که نشان دهنده‌ی اعتبار مناسب و بالا است. در جدول ۲

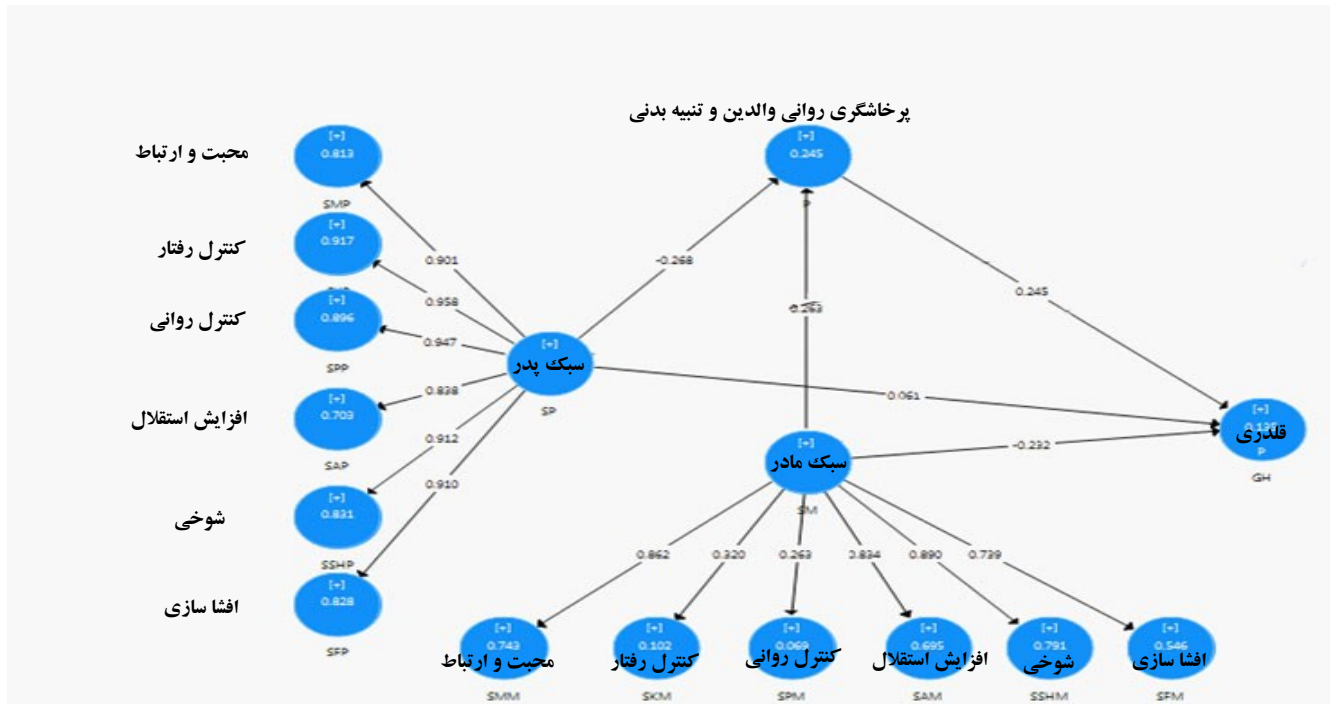
جدول ۲. ماتریس همبستگی مؤلفه‌های سبک والدگری و متغیرهای پژوهش

متغیر ۱	متغیر ۲	همبستگی	متغیر ۳	متغیر ۴	متغیر ۵	متغیر ۶	متغیر ۷	متغیر ۸	متغیر ۹	متغیر ۱۰	متغیر ۱۱	متغیر ۱۲	متغیر ۱۳	متغیر ۱۴	متغیر ۱۵											
محبت پدر	مهارگری رفتار پدر	۰/۸۹۰**	مهارگری روانی پدر	۰/۸۷۷**	استقلال پدر	۰/۸۲۳**	شوخی پدر	۰/۸۱۳**	افشاسازی پدر	۰/۷۶۷**	محبت مادر	۰/۶۶۸**	مهارگری رفتار مادر	۰/۵۳۷**	مهارگری روانی مادر	۰/۵۸۰**	استقلال مادر	۰/۵۹۴**	شوخی مادر	۰/۶۱۰**	افشاسازی مادر	۰/۴۰۵**	پرخاشگری و تنبیه بدنی	۰/۴۰۸**	قلدری	۰/۲۰۶**

**p=۰/۰۵ *p=۰/۰۱

بررسی دو بخش ضرایب t و ضرایب مسیر انجام می‌شود. تصویر ۲ ضرایب مسیر استاندارد مدل مفهومی پژوهش برای بررسی فرضیه‌ها را نشان می‌دهد.

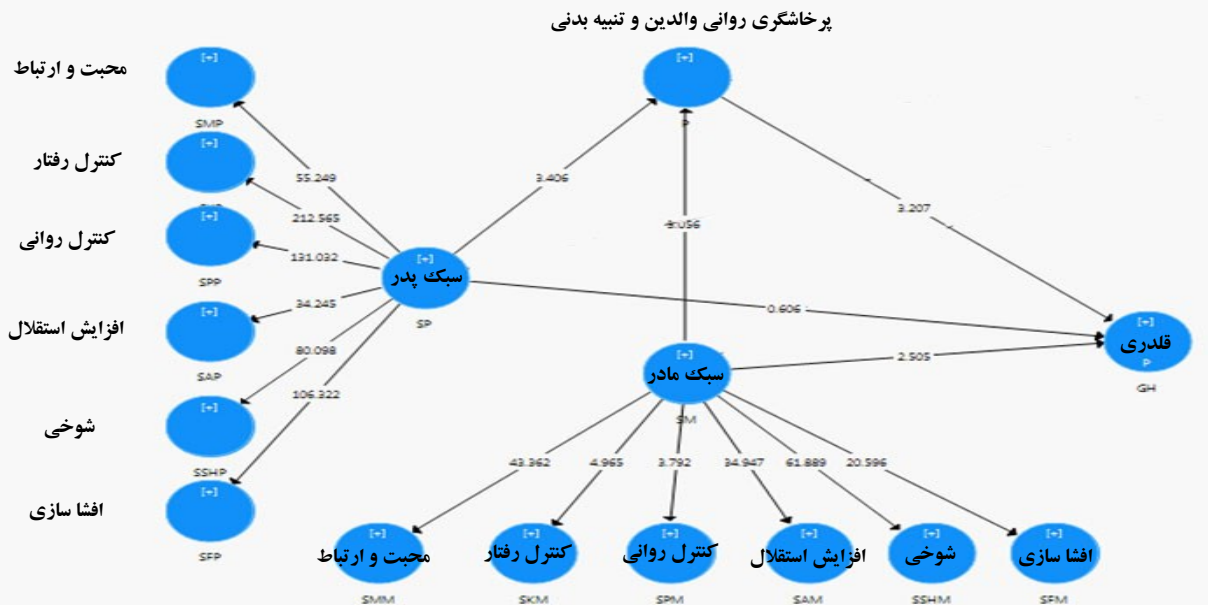
طبق جدول ۲ مشاهده می‌شود متغیرهای پرخاشگری روانی والدین و قلدری با ابعاد سبک‌های والدگری پدر و مادر در سطح معناداری ۰/۰۵ همبستگی معکوس و معنادار دارند. پس از تحلیل توصیفی داده‌های پژوهش نوبت به بررسی و آزمون مدل مفهومی پژوهش می‌رسد. این کار از طریق



تصویر ۲: ضرایب مسیر استاندارد مدل برای بررسی فرضیه‌ها

باشد، ضریب مسیر در سطح ۰/۰۵ معنادار است. تصویر ۳، نتایج آزمون t را برای بررسی فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد.

اعداد نوشته‌شده بر روی مسیرها ضرایب مسیر را نمایش می‌دهد. برای آزمون معناداری ضرایب مسیر با استفاده از روش بوت استرپ مقادیر آزمون تی- استیوندت محاسبه شده است. مقادیر آزمون تی- استیوندت اگر بزرگتر از ۱/۹۶



تصویر ۳: نتایج آزمون تی-استیودنت برای بررسی فرضیه ها

را بر قلدری نشان داده است. جدول ۳ با توجه به خروجی مدل مفهومی پژوهش (تصویر ۳) به بیان و بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته است.

در تصویر ۳ نتیجه آزمون t نمایش داده شده است که اثرات مستقیم و غیرمستقیم (از طریق نقش میانجی‌گری پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی)، سبک‌های والدگری

جدول ۳: اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل بین سبک والدگری پدر و سبک والدگری مادر بر قلدری نوجوان

اثر کل	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	مسیر	
			به متغیر	از متغیر
-۰/۰۰۴	-۰/۰۶۵	۰/۰۶۱	قلدری نوجوان	سبک والدگری پدر
-۰/۲۹۶	-۰/۰۶۴	-۰/۲۳۲	قلدری نوجوان	سبک والدگری مادر

برای بررسی نقش میانجی‌متغیر پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی در سبک‌های والدگری بر قلدری از آزمون سوبل استفاده شد که برای معناداری تأثیر یک متغیر میانجی در رابطه میان دو متغیر دیگر به کار می‌رود. در آزمون سوبل مقدار Z-value از طریق فرمول زیر به دست می‌آید که در صورت بیشتر شدن این مقدار از ۱/۹۶ می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تایید کرد.

طبق جدول ۳، محاسبه اثر مسیرهای ساختاری حاکی از آن است که سبک والدگری پدر به گونه مستقیم (۰/۰۶۱) و غیرمستقیم، از طریق متغیر میانجی پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی برابر با (-۰/۰۶۵) و در مجموع (-۰/۰۰۴) بر قلدری نوجوان تأثیر داشته است. همچنین محاسبه اثر مسیر ساختاری حاکی از آن است که سبک والدگری مادر به گونه مستقیم (-۰/۲۳۲) و غیرمستقیم، از طریق متغیر میانجی پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی برابر با (-۰/۰۶۴) و در مجموع (-۰/۲۹۶) بر قلدری نوجوان تأثیر گذار بوده است.

$$Z - value = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times S_a^2) + (a^2 \times S_b^2)}}$$

a: مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی

b: مقدار ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته

S_a: خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر مستقل و میانجی

S_b: خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر میانجی و وابسته

بنابراین:

$$Z - value = \frac{(-0/268) \times (0/245)}{\sqrt{(0/245^2 \times 0/079^2) + (-0/268)^2 \times 0/076^2}} = -2/40$$

بر قلدری برابر با ۲/۴۰- شد که به دلیل بیشتر بودن از ۱/۹۶ نشان-
دهنده معناداری این رابطه است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، قدر مطلق مقدار z-value
حاصل از آزمون سوبل برای بررسی نقش میانجیگری متغیر
پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی در سبک والدگری پدر

$$Z - value = \frac{(-0/268) \times (0/403)}{\sqrt{(0/403^2 \times 0/079^2) + (-0/268)^2 \times 0/083^2}} = -2/84$$

والدین و تنبیه بدنی برابر با ۲/۴۰- است. همچنین تأثیر سبک
والدگری مادر بر قلدری نوجوان با نقش میانجی پرخاشگری
روانی والدین و تنبیه بدنی برابر با ۲/۸۴- است.

نتیجه این پژوهش در راستا و همسو با نتیجه پژوهش
گومز-اورتیز، رومرا، اورتگا-رویز (۲۷) است که آنها نیز
پژوهشی با همین عنوان را بر ۲۰۶۰ نوجوان دختر و پسر در
اسپانیا انجام دادند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که تنبیه
بدنی به عنوان میانجی در رابطه بین سبک والدگری والدین
ارتباط مستقیم با قلدری دختران، و پرخاشگری روانی والدین
با نقش میانجی در رابطه بین سبک والدگری والدین ارتباط
مستقیم با قلدری پسران دارد. همچنین نتایج این پژوهش همسو
با نتایج و یافته‌های پژوهش‌های ساریخانی (۱۴)، زوتیس و
همکاران (۲۱)، تمنائی‌فر و همکاران (۲۲)، خوشبخت (۲۸)
است. آنها نیز در پژوهش‌های خود به رابطه معناداری بین
پرخاشگری والدین و تنبیه بدنی با مشکلات رفتاری و قلدری
کودکان رسیده بودند. در تبیین این یافته‌ها با توجه به
روی آوردهای نظری و پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان گفت

همان‌طور که مشاهده می‌شود، قدر مطلق مقدار z-value
حاصل از آزمون سوبل برای بررسی نقش میانجی‌گری متغیر
پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی در سبک والدگری
مادر بر قلدری نوجوان برابر با ۲/۸۴- شد که به دلیل بیشتر بودن
از ۱/۹۶ نشان‌دهنده معناداری رابطه است. از این رو با توجه به
نتایج حاصل از آزمون سوبل می‌توان گفت پرخاشگری روانی
والدین و تنبیه بدنی در رابطه بین سبک‌های والدگری و
قلدری نقش میانجی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی نقش میانجی‌گری پرخاشگری
روانی والدین و تنبیه بدنی در رابطه بین سبک‌های والدگری
والدین با قلدری نوجوانان بود. نتایج پژوهش نشان داد که
پرخاشگری روانی والدین و تنبیه بدنی در رابطه بین سبک‌های
والدگری والدین بر قلدری نوجوان اثر غیرمستقیم و میانجی
دارد. همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد تأثیر سبک والدگری
پدر بر قلدری نوجوان با نقش میانجی پرخاشگری روانی

تنبيه‌کننده الگوهای پرخاشگری هستند. کودکی که مدام سیلی خورده و یا بر سر او داد و فریاد صورت می‌گیرد ممکن است در ارتباط با همسالان خود نیز چنین رفتارهایی از خود نشان دهد (۲۷). وقتی والدین در تربیت فرزندان خود از پرخاشگری و تنبيه استفاده نمی‌کنند و به صورت کلی حامی فرزندان خود هستند، میزان رفتارهای اجتماعی آنها افزایش و مشکلات رفتاری کاهش می‌یابد (۳۴ و ۳۵).

در نهایت، با توجه به یافته‌های پژوهشی توجه بیش از پیش بر نقش خانواده و تعاملات والد-فرزند و شیوه‌های والدگری والدین در سازش‌یافتگی رفتاری و هیجانی نوجوانان پیشنهاد می‌شود که این مهم از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزش خانواده و شیوه‌های والدگری مثبت و همچنین آموزش مهارت‌هایی مانند ارتباط بین فردی موثر، حل مسئله و مهارت‌گری خشم به دانش‌آموزان امکان‌پذیر است تا اینگونه از تبعات سنگین آن برای خانواده، جامعه و خود فرد پیشگیری به عمل آید.

از محدودیت اصلی پژوهش می‌توان به عدم تفکیک جنسیت آزمودنی‌ها اشاره کرد که با توجه به متغیرهای مورد مطالعه و شرایط فرهنگی ممکن است در آنها تفاوت آماری وجود داشته باشد. از محدودیت‌های دیگر این بود که از پرسشنامه‌های خودگزارشی استفاده شد که ممکن است برخی از افراد از ارائه پاسخ واقعی به ویژه در مورد رفتارهای والدین خود، خودداری کرده باشند. همچنین می‌توان به عدم کنترل سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی خانواده اشاره کرد که می‌تواند به عنوان عوامل تأثیرگذار در شیوه‌های تربیتی والدین باشد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی سطح تحصیلات والدین و وضعیت اقتصادی خانواده مورد کنترل قرار گیرد. از آنجایی که نوع قلدری ممکن است در دختر و پسر متفاوت باشد پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی مقایسه انواع رفتار قلدری (فیزیکی، کلامی، و ارتباطی) در دختر و پسر مورد بررسی قرار گیرد. همان‌طور که یافته‌های پژوهش نشان داد شیوه‌های تربیتی والدین عامل مهمی در ایجاد مشکلات

معمولاً والدین کودکان قلدر بیشتر از تنبيه بدنی و خشم استفاده می‌کنند و همچنین در خانواده‌های کودکان قلدر دعوا، جنگ و ستیز و تنبيه‌گری شدید وجود دارد (۸). کودکان با تقلید از رفتار آنها، این‌گونه رفتارها را برای خودشان الگو قرار داده و بعداً در روابط خود با دیگران نیز به همین شکل رفتار می‌کنند. همچنین والدینی که دائماً بر رفتارها و اعمال کودک نظارت دارند، مداوم در حال دستور دادن هستند، بسیار سخت‌گیر بوده و تمایل دارند کودک را تعلیم دهند، در این حالت این احتمال وجود دارد که کودک منفعلانه از دستورات اطاعت کند اما در فضایی دیگر رفتارهای پرخاشگرانه از خود بروز دهد (۳۲).

از دیگر یافته‌های این پژوهش رابطه معنادار سبک والدگری مادر با قلدری نوجوان که با میانجی‌گری پرخاشگری روانی والدین و تنبيه بدنی بود که با نتایج پژوهش بیرامی و علائی (۱۶) و بدری و همکاران (۱۷) همسو است که به این نتیجه رسیدند قلدری دختران با والدگری مستبدانه مادر رابطه مثبت و معنادار داشته است. همچنین به این نتیجه دست یافتند که محیط خانوادگی با قلدری نوجوانان رابطه معنادار دارد. در راستای تاکید مبانی نظری و پژوهشی باید گفت سال‌های اول زندگی از مهمترین مراحل تحول شخصیت کودک به شمار می‌آید. شیوه برخورد بزرگسالان اثر عمیقی بر شخصیت کودک و عادات کسب شده توسط آنها دارد (۱۶). در این سال‌ها نوع رابطه مادر-کودک، میزان محبت و حمایت مادر و نوع رفتار مادر، در زندگی کودک اثرگذار است و غالباً پیامدهای معناداری بر روی روابط آینده با همسالان به دنبال دارد (۳۳). مطابق با نظریه یادگیری اجتماعی بندورا می‌توان گفت که رفتارهای قلدرانه کودکان در حقیقت رفتارهای مشاهده‌شده و یادگرفته‌شده‌ای است که در طول زمان شکل گرفته و در نتیجه در موقعیت‌های مشابه بروز می‌کند. مشاهده خشونت موجود بین والدین و تنبيه بدنی کودکان توسط والدین، کودکان را به سمت خشونت و رفتارهای قلدرانه و پرخاشگرانه سوق می‌دهد. همچنین والدین

از سازمان آموزش و پرورش شهرستان آستانه اشرفیه با شماره نامه ۳۷۵۰/۱۴۵۶۸/۸۰۲ در تاریخ ۹۶/۱/۲۸ صادر شد. بدین وسیله از مسئولین محترم آموزش و پرورش شهرستان آستانه اشرفیه و تمام دانش آموزانی که در اجرای این پژوهش مشارکت کردند و همچنین استاد راهنمای این پژوهش دکتر محمدرضا زربخش بحری، صمیمانه قدردانی می شود.

تضاد منافع: یادآور می شود انجام این پژوهش برای نویسندگان هیچ گونه تضاد منافع را به دنبال نداشته است.

رفتاری کودکان محسوب می شود، از این رو پیشنهاد می شود مسئولین آموزش و پرورش شرایط برگزاری جلسات آموزشی والدگری را برای والدین توسط مشاوران و روان شناسان فراهم کنند تا با آموزش و آگاهی دادن به والدین از بروز رفتارهای مشکل ساز در کودکان پیشگیری و کاسته شود.

تشکر و قدردانی: این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم زهرا اصغرپور در رشته روانشناسی بالینی دانشگاه تنکابن با کد پژوهشی ۳۸۲۲۹ است. همچنین مجوز اجرای آن

Archive of SID

References

1. Patchin JW, Hinduja S. Traditional and nontraditional bullying among youth: A test of general strain theory. *Youth and Society*. 2011; 43(2): 727-751. [\[link\]](#)
2. Olweus D. Bullying at school and later criminality; finding from three Swedish community samples of males. *Criminal Behavior and Mental Health*. 2012; 21(2): 151-6. [\[link\]](#)
3. Olweus D. Bullying at School: Basic Facts and Effects of a School Based Intervention Program. *Child Psychology and Psychiatry*. 1994; 35(7): 1171-1190. [\[link\]](#)
4. Cook CR, Williams KR, Guerra NG, Kim TE. Predictors of bullying and victimization in childhood and adolescence: A meta-analytic investigation. *Sch Psychol Q*. 2010; 25(2): 65-83. [\[link\]](#)
5. Lee CHH. Personal and interpersonal correlates of bullying behaviors among Korean middle school students. *Interpersonal violence*. 2010; 25(1): 152-176. [\[link\]](#)
6. Hawker DS & Boulton MJ. Twenty years research on peer victimization and psychosocial maladjustment: a meta-analysis review of cross-sectional studies. *Journal of child psychology and psychiatry*. 2000; 41(4): 441-55. [\[link\]](#)
7. Walden LM, Beran TN. Attachment quality and bullying behavior in school-aged youth. *Canadian Journal of school psychology*. 2010; 25(1): 5-18. [\[link\]](#)
8. Rose CA, Espelage DL, Aragon SR. Bullying and victimization among students in special education and general education curricula. *Exceptional Psychology*. 2011; 27(2), 266-273. [\[link\]](#)
9. Henningham HB, Gardner JM, Susan Walker SCH. Experiences of violence and deficits in academic achievement among urban primary school children in Jamaica. *Child Abuse and Neglect*. 2009; 33(5): 296-306. [\[link\]](#)
10. Steinberg L, Darling N. Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families. *Child Development*. 1994; 65(3):754-770. [\[link\]](#)
11. Baumrind D. Authoritarian vs. authoritative paternal control. *Adolescence*. 1968; 3(11): 255-272. [\[link\]](#)
12. Fan J, Zhang LF. The role of perceived parenting styles in thinking styles. *Learning & Individual Differences*. 2014; 3(2): 204-11. [\[link\]](#)
13. Sarikhani A. The training styles and the prevention of delinquency from crime. *Criminal law and policy*. 2016;1(2): 207-224. [Persian]. [\[link\]](#)
14. Nickerson AB, Mele D, Princiotta D. Attachment and empathy as predictors of roles as defenders or outsiders in bullying interactions. *Journal of school psychology*. 2008; 46(6): 687-703. [\[link\]](#)
15. Bjarnason T, Bendtsen P, Arnarsson A, Borup I, Iannotti R, Lofstedt P, et al. Life satisfaction among children in different family structures: a comparative study of 36 Western societies. *Children & Society*. 2012; 26(1): 51-62. [\[link\]](#)
16. Beirami M, Alaei P. Bullying in female middle schools: The role of parenting styles and perception of family's emotional environment. *School psychology*. 2014; 2 (3). 38-56. [Persian]. [\[link\]](#)
17. Badri R, Kazemi S, Etemadi Z. Adult attachment styles and dimensions and anger in bully and victim adolescents. *Applied Research in Education Psychology*. 2015; 2(3): 1-10. [Persian]. [\[link\]](#)
18. Straus M, Field C. Psychological aggression by American parents: National data on prevalence, chronicity, and severity. *Journal of Marriage and Family*; 2003; 65: 795-808. [\[link\]](#)
19. Gomez-ortiz O, Del Rey, Casas J, Ortega-Ruiz R. Parenting styles and bullying involvement. *Culture and Education*. 2014; 26(1): 132-158. [\[link\]](#)
20. Zottis G, Salum G, Isolan L, Manfro G, Heldt E. Associations between child disciplinary practices and bullying behavior in children and adolescent. *Journal De Pediatria*. 2014; 90(4): 408-414. [\[link\]](#)
21. Rogers KN, Buchanan CM, Winchel ME. Psychological control during early adolescence: Links to adjustment in differing parent/adolescent dyads. *The Journal of Early Adolescence*. 2003; 23(4): 349-383. [\[link\]](#)

22. Tamannaifar M, Salami Mohammadabadi F, Dashtbanzadeh S. The consequences of corporal punishment of children by parents in the home and family environment. *Human Rights*. 2011; 6 (2): 89-98. [Persian] [\[link\]](#)
23. Cava MJ, Musitu G, Buelga S, Murgui S. The relationships of family and classroom environments with peer relational victimization: An analysis of their gender differences. *The Spanish Journal of Psychology*. 2012; 13(1): 156-165. [\[link\]](#)
24. Kerr D, Lopez N, Olson S, Sameroff A. Parental discipline and externalizing behavior problems in early childhood: The role of moral regulation and child gender. *Abnormal child Psychology*. 2004; 32(4):69-83. [\[link\]](#)
25. Kawabata Y, Alink LRA, Tseng W, Van IJzendoorn MH, Crick NR. Maternal and paternal parenting styles associated with relational aggression in children and adolescents: A conceptual analysis and meta-analytic review. *Developmental Review*. 2011; 31(4): 240-278. [\[link\]](#)
26. Koiv K. Attachment styles among bullies, victims and uninvolved adolescents. *Psychology Research*. 2012; 2(3): 160-165. [\[link\]](#)
27. Gomez-Ortiz O, Romera E, Ortega-Ruiz R. Parenting styles and bullying. The mediating role of parental psychological aggression and physical punishment. *Child Abuse & Neglect*. 2016; 51: 132-143. [\[link\]](#)
28. Khoshbakht F. The relationship between parental rearing and social and non-social behavior in preschool children's play. *Psychology Studies*. 2011;7(4): 87-104. [Persian].
29. Oliva A, Parra A, Sanchez-Queija, I, & Lopez F. Maternal and paternal parenting styles: Assessment and relationship with adolescent adjustment. *Annals of Psychology*. 2007; 23(1): 49-56. [\[link\]](#)
30. Strauss MA, & Faucher A. (2007). *Manual for the Dimensions of Discipline Inventory (DDI)*. Durham, NH: Family Research Laboratory, University of New Hampshire. [\[link\]](#)
31. Briguì A, Ortega R, Scheitauer H, Smith PK, Tsormpatzoudis C, Barkoukis V, Del Rey R, et al. (2012). *European Bullying Intervention Project Questionnaire (EBIPQ)*. University of Bologna.
32. Roberts WB, Morotti A. The bully as victim: Understanding bully behaviors to increase the effectiveness of interventions in the Bully-Victim Dyad. *Professional School Counseling*, 2000; 4(3): 148-156. [\[link\]](#)
33. Arbona C, Power TG. Parental attachment and self-esteem and antisocial behaviors among African American, European American and Mexican American adolescents. *Journal of Counseling Psychology*. 2003; 50(1): 40-51. [\[link\]](#)
34. Eslami chehrazi Z, Ghorbani M, Aghaei A. Relationship between parenting styles with Theory of mind and Machiavellian belief in fourth and fifth grade students of elementary school in Isfahan. *Social Cognition*. 2013; 3(2): 34-43. [Persian]. [\[link\]](#)
35. Sohrabzadeh Fard A, Gharraee B, Asgharnejad Farid A, Aghebati A. Relationship between perceived parenting styles and identity styles with intensity of depression in adolescents. *Psychiatry and clinical psychology*. 2017; 22 (4)292-299. [Persian]. [\[link\]](#)

The Mediating Role of Parental Psychological Aggression and Physical Punishment in the Relationship of Parenting Styles with Bullying

Zahra Asgharpor¹, Mohammad Reza Zarbakhsh Bahri*²

1. M.A. Student of Clinical Psychology, Faculty of Psychology, Islamic Azad University, Tonekabon Branch, Tonekabon, Iran

2. Assistant Professor, Department of Clinical Psychology, Faculty of psychology, Islamic Azad University, Tonekabon Branch, Tonekabon, Iran

Received: October 21, 2017

Accepted: December 31, 2017

Abstract

Background and Purpose: Previous studies have shown that parents play an important role in the behavioral problems of children. The purpose of this study was to investigate the role of parental psychological aggression and physical punishment in relationship of parenting styles with bullying.

Method: The present study is descriptive and correlational. The statistical population consisted of all first grade high school students of Astaneh-Ashrafiyeh city in the academic year of 2016-2017. 295 students (150 female and 145 male) were selected using multistage cluster sampling method. The participants completed the *parenting styles questionnaire* (Oliva et al, 2007), *discipline dimensions inventory* (Straus & Fauchier, 2007), and *bullying intervention questionnaire* (Brigui et al, 2012). Data were analyzed using the structural equation modeling.

Results: The findings indicated that parental psychological aggression and physical punishment in the relationship between parental styles and bullying have indirect effects and the role of mediation in the relationship between parenting styles and adolescence' bullying.

Conclusion: The results of this study showed that parenting styles can affect children's behaviors. Therefore, there should be interventions to inform parents about the importance of their parenting role. Therefore, there should be interventions to inform parents about the importance of their parenting styles.

Keywords: Parenting Styles, bullying, adolescence, psychological aggression, physical punishment

Citation: Asgharpor Z, Zarbakhsh Bahri M. The mediating role of parental psychological aggression and physical punishment in the relationship of parenting styles with bullying. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2018; 5(1): 68-79.

*Corresponding author: Mohammad Reza Zarbakhsh Bahri, Assistant Professor, Department of Clinical Psychology, Faculty of psychology, Islamic Azad University, Tonekabon Branch, Tonekabon, Iran.

Email: Rzarbakhsh@yahoo.com

Tel: (+98) 011-54271510